



میانی نظام اخلاقی صحیفه

صحیفه سجاده، متنی منسوب به امام زین العابدین (ع)، و از کهن‌ترین آثار بازمانده از نخستین سده‌های تمدن اسلامی است.

صحیفه سجاده، متنی منسوب به امام زین العابدین (ع)، و از کهن‌ترین آثار بازمانده از نخستین سده‌های تمدن اسلامی است.

چکیده

صحیفه سجاده، متنی منسوب به امام زین العابدین (ع)، و از کهن‌ترین آثار بازمانده از نخستین سده‌های تمدن اسلامی است. عموم شیعیان صحیفه را دربردارنده تعالیم اخلاقی گسترده‌ای ریشه‌دار در وحی الهی و معارف اهل بیت (ع) می‌دانند. بااینحال، کمتر کوششی برای بازشناسی اندیشه اخلاقی بازتابیده در آن، یا صورت‌بندی مبانی فلسفی این اندیشه صورت گرفته است؛ کوششی که می‌تواند برخی مجهولات تاریخ اندیشه اخلاقی در جهان اسلام، خاصه در سده‌های نخست را روشن کند. این مطالعه به همین منظور دنبال می‌شود. بنا است که در آن، چارچوب کلی نظام اخلاقی مندرج در صحیفه سجاده را بازکاوییم.

بدین منظور، نخست اندیشه‌های هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه را در صحیفه سجاده را مرور خواهیم کرد. آن گاه از کمالی سراغ خواهیم گرفت که برای انسانی با این ویژگیها، در یک چنین هستی‌ترسیم شده است؛ همچنان که در باره راه رسیدن به چنین کمالی بر پایه آموزه‌های صحیفه بحث می‌کنیم. این تلاش راهی خواهد بود بدان سو که پس از مقایسه اندیشه اخلاقی صحیفه با دیگر مکاتب اخلاقی شناخته جهان اسلام در سده‌های متقدم، شاخصهای تفکر اخلاقی این اثر بازشناسی شود.

کلیدواژگان

تاریخ اندیشه اخلاقی در جهان اسلام، تاریخ مکاتب اخلاق اسلامی، تاریخ فلسفه اسلامی، ادبیات دعایی شیعه، فرادعا، مبانی فلسفی دعا، سبک زندگی اسلامی

درآمد

صحیفه کامله سجاده کتابی است رایج در میان شیعیان زیدی، اسماعیلی و جعفری، با حجمی در حدود 24000 کلمه، دربردارنده دعاهایی برای خواسته‌های فردی و اجتماعی، که برخی را باید زمانهایی مشخص بخواند و برخی دیگر نیز، متعلق به زمان خاصی نیستند. گرچه دانسته نیست از چه زمان این اثر به صحیفه کامله سجاده نام‌بردار گردیده (مهروش، هویت...، 8-9)، تألیف آن به امام زین العابدین (ع) منتسب است و اشاره‌ای به عنوان رایج را در نسخه‌های بازمانده از خود اثر نیز می‌توان سراغ داد (رک‌زنجی؛ سند صحیفه؛ اخبره انه من دعاء ابیه ... من دعاء الصحیفه الکامله؛).

بر پایه آنچه در مقدمه اثر درج شده، نخست نسخه‌های دوگانه آن در اختیار امام صادق (ع) و پسر عموی پدر ایشان یحیی بن زید (مق‌125؛ زنجی) بوده است و سرآخر، ابوالفضل شیبانی (د 387ق)، عالم جارودی سده 4ق موفق می‌شود به دو روایت مختلف از اثر دست یابد (برای وی، رک‌زنجی؛ پاکتچی، سراسر اثر)، و با ویرایش متن، تبویب ابواب، و افزودن مقدمه‌ای آن را به نسلهای بعد رساند (برای اشاره به نقش ابوالفضل در تدوین صحیفه، رک‌زنجی؛ مهروش، همان، 15-18).

شیعیان، همواره صحیفه سجاده را همچون یک منبع اصیل اندیشه اسلامی تلقی کرده‌اند. به‌سبب همین توجه گسترده، نسخه‌های مختلف و شروح و ترجمه‌های صحیفه را می‌توان در مناطق مختلف شیعه‌نشین مشاهده کرد (برای کهن‌ترین نسخه‌های بازمانده از اثر، رک‌زنجی؛ صدراپی خویی، سراسر اثر؛ نیز برای اشاراتی به نقل گسترده آن در هزاره نخست هجری، رک‌زنجی؛ موسوی بروجردی، 95 ب‌ب‌زنجی؛ زنجی؛).

خاصه از حدود سده 11 ق به بعد، نسخه‌های از مناطق مختلف ایران، عراق، پاکستان و هندوستان باقی است که نشان می‌دهند اقبال به صحیفه در این دوران در میان عموم شیعیان فراگیر بوده، و نسخه‌های اثر در شهرهای مختلف پراکنده شده (برای کتاب‌شناسی تفصیلی شروح و ترجمه‌های صحیفه، رک: آقابزرگ، 111/4 به بعد؛ همو، 145/6 به بعد؛ حکیم، سراسر اثر؛ نیز برای اجازه‌نامه‌های نقل آن در عصر صفوی، رک: حسینی اشکوری، سراسر اثر)؛ امری که نتیجهٔ رؤیای محمد تقی مجلسی (د 1070 ق)، و البته اعتماد عموم به این رؤیا بوده است؛ رؤیایی که در آن امام زمان (ع) مجلسی را به نسخهٔ عتیقی از این کتاب که ویراستهٔ شهید اول است رهنمون می‌شوند و او را به ملازمت آن امر می‌کنند (مجلسی، 60-61).

گذشته از این، صحیفهٔ سجادیه را می‌توان از جملهٔ آثار کهن اخلاقی در فرهنگ اسلامی تلقی کرد؛ اثری که افزون بر توجه به دغدغه‌های اخلاقی در سراسر آن، دربردارندهٔ دعایی مفصل نیز با عنوان «مکارم الاخلاق»؛ و با تکیه و تأکید ویژه بر اصلاح اخلاقی است. بدین سان، برای شناخت تاریخ اندیشهٔ اخلاقی در جهان اسلام، بازشناسی اندیشه‌های اخلاقی مندرج در آن ضروری است.

طرح مسئله

با همهٔ توجهات شیعیان به صحیفه و نگارش آثار فراوانی در شرح و تفسیر آن، تا حدود یک دهه پیش اثری در تبیین چارچوب کلی نظام اخلاقی صحیفه، یا بازشناسی اصول بنیادین تفکر اخلاقی آن پدید نیامده، و حتی کوششی جدی نیز بدین منظور صورت نگرفته بود. شاید گسترش کاربرد روش تفسیر موضوعی در دوران معاصر از یک سو، و پدید آمدن گرایشهای جدیدی در نظام آموزشی کارشناسی ارشد رشتهٔ الهیات و معارف اسلامی در دههٔ اخیر از دیگر سو، سبب اصلی تغییر این فضا شد؛ رشته‌های همچون «علوم حدیث»، «مدرسی الهیات و معارف اسلامی»، یا «اهل بیت شناسی»؛ که بسط نگاه درون دینی، و توسعهٔ بحثهای موضوعی در بارهٔ میراث روایی را به همراه داشتند.

الف) پیشینهٔ مطالعات

به هر روی، تا اوایل دههٔ 1380 ش کمتر مطالعه‌ای را می‌توان یافت که حتی اشاره‌ای به ضرورت بازشناسی اندیشهٔ اخلاقی صحیفهٔ سجادیه داشته باشد. حتی در نیمه‌های این دهه، سجادی که بایسته‌های پژوهش در بارهٔ صحیفهٔ سجادیه را بیان می‌کند، گرچه به اجمال از لزوم نگارش تفاسیری موضوعی بر صحیفه می‌گوید (سجادی، 170-171)، هیچ اشاره‌ای به ضرورت مطالعهٔ صحیفه همچون منبعی دربردارندهٔ اندیشه‌های متعلق به سده‌های نخست اسلامی ندارد. احتشامی‌نیا نیز که در همان اوان به تکمیل کار سجادی می‌کوشد و می‌خواهد بدین منظور، بایسته‌های پژوهشی درونمایهٔ صحیفه را بازنماید، حتی در حد همان اشارهٔ مختصر و مجمل سجادی نیز به چنین بحثی نمی‌پردازد (رک: احتشامی‌نیا، سراسر اثر).

مطالعات پراکنده و پرشماری را می‌توان از اوایل دههٔ 1380 ش سراغ داد که هر یک به نحوی برای بازشناسی نظام اخلاقی صحیفه، اصول و مؤلفه‌های بنیادین آن، ارزشهای این نظام، و هر چه از این قبیل می‌کوشند. شماری از این قبیل مطالعات، بیش از هر چیز، کوششی برای فهم نظام اخلاقی صحیفه با بهره‌گیری از گفتمان دانشهای مدرن یا سنتی هستند. پدید آورندگان این مطالعات که می‌توانشان مفسران موضوعی صحیفه خواند، کوشیده‌اند برای آنچه از دانش روان‌شناسی مدرن، یا فلسفه و اخلاق اسلامی فراگرفته‌اند، مثالهایی در صحیفه بیابند و بحث خود را بر پایهٔ آن پیش برند. بدین گونه است که مثلاً می‌بینیم کسی «حُب ذات» را همچون یکی از بنیادهای تفکر اخلاقی در صحیفه ذکر، و البته خود نیز تصریح می‌کند که هرگز در سراسر اثر اشارهٔ مستقیمی بدین معنا نشده است (ابراهیمی‌فر، 31؛ «مبانی...»).

مؤلف دیگری در بحث از جایگاه مرگ در صحیفهٔ سجادیه، به ورطهٔ توضیح واضحات می‌افتد و بعد از یادکرد نمونه‌هایی از کاربرد الفاظ دال بر این معنا در صحیفه، سرآخر نتیجه می‌گیرد که مرگ از نگاه پدید آورندهٔ صحیفه پایان هستی نیست (دده، بیگی، 134). دیگری از عباراتی در دعای 27 صحیفه چنین استنباط می‌کند که از نگاه امام زین العابدین (ع)، استفاده از جنگ‌افزارهای کشتار جمعی در شرایط خاص مجاز است (اخوان کاظمی، الف، 189-188)؛ مطلبی که وقتی حدود شش ماه بعد از چاپ نخست، همین مقاله بار دیگر در مجله‌ای دیگر به چاپ می‌رسد، حذف شده است (رک: اخوان کاظمی، ب، 145-146).

یک مطالعه دیگر از این قبیل، اثر احمدوند است (پاییز 1390ش). وی خواسته است «اخلاق اجتماعی» را در صحیفه بکاود؛ یعنی لایب ضوابط و ملاکهای حسن و قبح صفات و ملکاتی که اگر انسان زندگی اجتماعی نداشت، آنها را پی نمی‌گرفت. باینحال، عملاً چیزی بیش از یک فهرست مختصر از ده صفت اخلاقی، به همراه طول و تفصیل بسیار و نقل قولهای فراوان از مؤلفان دیگر ارائه نمی‌شود. هیچ کوششی برای تحلیل این صفات، یا مشخص کردن جایگاه آنها در نظام اخلاقی صحیفه، یا حدود و ضوابط حسن و قبح هر یک صورت نمی‌گیرد.

مؤلفانی دیگر هم از این قبیل، «اصول بهداشت روانی» را از نگاه امام زین العابدین (ع) می‌کاوند و لایب «لای بحثهای پراکنده» بسیار، بدین هم اشاراتی گذرا دارند که برای آگاهی از رویکرد هر محقق به سلامت روان، باید از نظام ارزشی وی آگاه گردید و برای این منظور هم، درک هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و ضرورت است (تقوی نسب، 78). باینحال، هرگز بحث را با توسعه همین رویکرد پیش نمی‌برند. مطالعه ایشان هم در عمل از حیث روشمندی ضعیف، و مبتلا به آفاتی مشابه نمونه پیش گفته است.

دسته دیگر از مطالعات تفسیرگونه در این زمینه را باید کوشش برای شناخت مبانی اخلاقی صحیفه به نحو گزینشی دانست. یک نمونه از این قبیل، اثر پهلوان (1384ش) در باره مبنای سلوک اخلاقی صحیفه است. از نگاه او، در صحیفه سلوک اخلاقی متفرع است بر باور به نعمت و بخشش متفصلانه و فراتر از استحقاق خداوند، خوف از خدا همراه امید به رحمت او در هر حال، اعتماد و تکیه بر توفیق خدا، و توکل و خود را به خدا سپردن (پهلوان، 76 ب و ز).

به همین ترتیب، شیوه سلوک را از نگاه صحیفه، تکیه بر قرآن کریم، بهره جویی از ماه رمضان، تولی و تبری، شفاعت اهل بیت (ع)، متوسل شدن به ایشان، باور به این که خدا ناظر همه کارها ست، و سرآخر، صلوات بر اهل بیت (ع) می‌داند (همو، 83 ب و ز). اولاً، هیچ معلوم نیست چرا هر یک از این روشها در عرض دیگری قرار دارد و آنها را با هم چه نسبت است. ثانیاً، انتخاب این شیوه‌ها همچون روش سلوک پیشنهادی صحیفه، با حدود زیادی تفسیر ذوقی و گزینشی عبارات نیز همراه است. ثالثاً، مشخص نیست که از میان عبارات فراوان صحیفه که هر یک را می‌توان حاکی از بهینگی رفتاری خاص دانست، چرا این چند رفتار، منش، و اعتقاد خاص انتخاب شده، و مبنای ترسیم چارچوب اخلاقی اثر قرار گرفته‌اند.

مطالعات سلیمانی و مقامی را نیز باید از همین قبیل تلقی کرد. از نگاه سلیمانی (1390ش)، راهکار بازتابیده در صحیفه سجادیه برای اصلاح و رشد اخلاقی انسان بر دو اصل مبتنی است؛ یکی تذکر و یادآوری، و دیگر، دنیاگریزی و زهد (سلیمانی، 87-88). مقامی و میر شاه جعفری در مقام تکمیل برمی‌آیند و دو اصل دیگر نیز می‌افزایند؛ اصل بازگشت (توبه) و اصل عزت (مقامی، 106، 108). این هر دو مطالعه که به اقتفای شیوه پهلوان صورت گرفته‌اند، با همان اشکالات کار وی روبه‌روند.

گاه و بیگاه کوششهایی شبه علمی نیز برای پیاده‌سازی روشهای کمی و کیفی مطالعات تاریخی و متن پژوهانه بر صحیفه صورت گرفته‌اند. از این جمله، مطالعه مرزوقی برای شناخت چارچوب اندیشه اخلاقی اثر است. وی گرچه کوشش خود را برای دست‌یابی به درکی کلی از اندیشه اخلاقی صحیفه، با دغدغه بحث در باره هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و کمال انسان از منظر مؤلف صحیفه آغاز می‌کند (رک و ز)، مرزوقی، (87-88)، عملاً مطالعه‌ای درون دینی را پی می‌گیرد که سمت و سویی دیگر دارد. گذشته از این، وی انتساب همه متون روایی و دعایی منسوب به امام زین العابدین (ع) را قطعی تلقی، و فارغ از توجه به ملاحظات تاریخی و نکته‌سنجیهای محدثان، مطالعه خود را نیز بر همین پایه بنا می‌کند.

مطالعه‌ای دیگر از این دست و البته تا حدودی متفاوت، اثر سبحانی و نژاد و همکار او ست. اینان خواسته‌اند با کاربرد روش تحلیل محتوا «ابعاد و زمینه‌های تربیت» را در صحیفه سجادیه بکاوند. باینحال، ضعف در تعریف موضوع سبب شده است عملاً به چیزی فراتر از یک دسته‌بندی ساده از ارزشهای اخلاقی دست نیابند (رک و ز؛ سبحانی و نژاد، سراسر اثر).

ب) تأملات

در همه مطالعات پیش‌گفته، از رویکردی درون دینی همچون عالمی شیعی به مسئله نگریسته می‌شود و سخنانی از پیامبر (ص)، امام علی، و دیگر امامان (ع)، مبنای فهم سخنان منسوب به امام زین العابدین (ع) قرار می‌گیرد؛ رویکردی که از موضع برون دینی مبنایی ندارد و از این رو - خلاف رسالت علم که گشودن باب تفاهم بین همگان است - مخاطبان غیر شیعی را اقناع نمی‌کند؛ چه، خارج از فضای فرهنگ شیعی و باور به عصمت اهل

بیت (ع) و این که همه نوری واحد هستند، نمی‌توان سخن یک امام را مبنای فهم گفتار امام دیگری قرار داد.

گذشته از این، در عمل هیچ کوششی برای شناخت نظام اندیشه بازتابیده در اقوال منسوب به امام زین العابدین (ع) صورت نمی‌گیرد و مؤلفان تنها برای آرای مختلف رایج در علوم اجتماعی و انسانی مدرن، مؤیداتی روایی می‌آورند؛ و نیز، در سراسر مطالعه هرگز کوششی برای استقصاء شواهد هر آموزه دیده نمی‌شود؛ بلکه به عکس، معمولاً تکیه بر شواهدی است که به سادگی می‌توان از آنها تفاسیر دیگری هم ارائه کرد.

عمده این مطالعات صحیفه کامله را همچون یک تألیف خاص در نظر نمی‌گیرند و فارغ از ملاحظات انتقادی در باره انتساب روایات مختلف به امام زین العابدین (ع)، ادعیه صحیفه را نیز در کنار دیگر دعاها و روایات منقول از امام زین العابدین (ع) می‌زنند و می‌کشند بر پایه مجموع آنها، تصویری از نگرش امام بازنمایند؛ کوششهایی که نوعاً درون‌دینی و مبتنی بر مبنای کلامی است و گذشته از آن که برای مخاطبانی خارج از مجموعه معتقدان به مکتب تشیع پیامی ندارد، از حیث بی‌توجهی به ملاحظات رجالی و تاریخی، نحوه تفسیر نمونه‌ها، استقصاء شواهد، و دیگر جنبه‌های روش علمی نیز قابل نقد است (برای چند نمونه دیگر از این کوششها، رک: دریابیگی، لااقل؛ بررسی تطبیقی...؛ نیز قائمی، هاشمی، سراسر همه آثار؛ بدخشان، 29 بب: و زج؛).

در این مطالعه بنا داریم راهی متفاوت برای بازشناسی چارچوب کلی اندیشه اخلاقی صحیفه بیابیم؛ روشی که اولاً، مبتنی بر باورهای کلامی خاصی نباشد و بدین‌سان، بتوان دستاوردهای بحث را بر پیروان دیگر مذاهب هم عرضه کرد؛ ثانیاً، به جای مصداق‌یابی برای نگرشهای علوم اجتماعی و انسانی مدرن و سنتی، بحث را با تکیه بر داده‌های مندرج در خود صحیفه پیش برد؛ ثالثاً، بر ملاحظات انتقادی مورخانه، و گزاره‌ها و شواهدی عینی متکی باشد که حد الامکان تفسیرهای ذوقی مختلف را برنتابند.

می‌خواهیم با پیش بردن این مطالعه دریابیم: اولاً، آیا ارزشهای اخلاقی مندرج در صحیفه، مجموعه‌ای از حکمت‌های پراکنده را تشکیل می‌دهند، یا اجزای یک نظام منسجم و سازگار اخلاقی هستند؛ ثانیاً، بر فرض انسجام درونی گزاره‌های اخلاقی صحیفه، مبنای نظام اخلاقی مندرج در این اثر چیست؛ ثالثاً، در این اثر، بر چه شیوه سلوکی تأکید می‌شود.

بازشناسی اندیشه اخلاقی صحیفه سجادیه، افزون بر فواید عملی آشکار از نگاه متدینان و معتقدان، از منظر پژوهشگران تاریخ مکاتب اخلاقی در جهان اسلام نیز شایان توجه است. چنین مطالعه‌ای می‌تواند به بازشناسی یکی از کهن‌ترین تفکرات اخلاقی رایج در فرهنگ اسلامی بینجامد. به همین ترتیب، می‌توان با شناخت نظام اخلاقی مندرج در این اثر و پی‌گیری مطالعات مشابه، تاریخ مکاتب اخلاقی جهان اسلام را در دوره‌هایی بازشناخت که آثار باقی مانده از آنها بسیار محدود، و کوششها برای بازشناسی‌شان اغلب کم‌نتیجه است.

از دگر سو، با پی گرفتن چنین مطالعه‌ای، می‌توان به شناختی کلی و کلان از نظام اخلاقی صحیفه دست پیدا کرد و از آن، برای شناخت بهتر مفاهیم جزئی اخلاقی در این اثر بهره جست. نیز، می‌توان با پی‌جویی اندیشه‌های اخلاقی کلان صحیفه، شواهد و مؤیداتی برای مسئله هویت و انتساب آن یافت؛ چه، می‌توان با این مطالعه دریافت که آیا کلیت نظام اخلاقی بازتابیده در اثر، نظامی منسجم و هماهنگ را تشکیل می‌دهد، یا نه - و لذا، می‌تواند برساخته اندیشه یک مؤلف باشد - یا نه (برای اشاره به ضرورت مطالعه تاریخ اندیشه‌ها در صحیفه، برای تاریخ‌های مختلف چون لااقل؛ کمال؛ و لااقل؛ خیر اعلا؛ رک: و زج؛ پیرامون مقدم، 35).

پ) روش تحقیق

برای پاسخ گفتن به پرسشهای پیش‌گفته، شیوه‌ای را به کار خواهیم بست که مهرش و همکارانش در مطالعاتی چند پی‌گرفته‌اند (برای دو نمونه از این مطالعات، رک: و زج؛ مهرش، لااقل؛ اندیشه اخلاقی ابن مسعود و 146؛ همو، لااقل؛ اندیشه اخلاقی شهید و 122؛). از منظر اینان، اخلاق دانش بحث در باره ارزش خویشا و رفتارهای آدمی است و ارزشمندی هر کنش یا منش، زمانی معنا دارد که کارکرد آن بسته به هدفی سنجیده شود. این هدف را مکاتب اخلاقی مختلف چون لااقل؛ کمال؛ و لااقل؛ خیر اعلا؛ می‌شناسانند.

بر این پایه، برای شناخت یک مکتب اخلاقی کافی است بدانیم از نگاه پیروان آن، هستی چه ماهیتی دارد؛ انسان همچون یکی از موجودات این هستی، از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؛ برای انسانی چنین در یک چنین هستی چه کمال یا خیر اعلا، یا وضعیت بهینه؛ ای متصور است؛ و برای رسیدن بدان چه می‌توان کرد. شاید بتوان با کاربرد همین شیوه برای مطالعه نظام اخلاقی صحیفه، به درکی بی‌طرفانه، عینی، و روشمند از مکتب اخلاقی بازتابیده در این اثر دست یافت.

1. مبانی نظام اخلاقی صحیفه

چنان که گفتیم، در گام نخست باید با مطالعه صحیفه دریابیم چه درکی از هستی و انسان بر فضای کلی این اثر حاکم است.

الف) موجودات هستی

می‌توان در صحیفه اشارات فراوانی به موجودات مختلف دید؛ موجوداتی که گاه دیدنی، و گاه نیز نادیدنی هستند. از مهم‌ترین موجودات نامحسوسی که در صحیفه از آن بحث می‌شود، خدا ست. خدا موجودی مادی و محسوس نیست. بنابراین از راه حس نمی‌توان او را شناخت (صحیفه سجادیه [1]، 27/47). گرچه در صحیفه توضیح داده نمی‌شود که چه راهی برای شناخت خدا پیش روی انسان است، صفات فراوان ذات و فعل خدا به تفصیل بیان می‌شود؛ خواه صفات ثبوتیه، و خواه صفات سلبیه وی (برای مروری جزءنگرانه بر این صفات، رک: شمس آبادی، 12-13).

دیگر موجودات نامحسوسی که در صحیفه از آنها یاد می‌شود، فرشتگانند. هیچ تعریف مشخصی در صحیفه از فرشته ارائه نمی‌شود. باینحال، توصیفات فراوانی از فرشتگان صورت گرفته است. گفته می‌شود که فرشتگان، کارگزاران الهی هستند (22/3، 23)، خواهش‌های نفسانی ندارند، هرگز دست از کار نمی‌کشند (3/7)، نیازمند آب و غذا نیستند (3/11)، فراوان و غیر قابل شمارش (3/22، 23)، و عمده آنها ساکن آسمانند (3/6؛ برای دیگر صفات و نیز مراتب فرشتگان، رک: شمس آبادی، 14-15).

مهم‌ترین مأموریتی که در صحیفه برای فرشتگان یاد می‌شود، رساندن پیام‌های الهی با رعایت امانت است (3/6، 10، 18). افزون بر این، فرشتگان از طرف خدا برای یارید مسلمانان فرستاده می‌شوند (27/8، 11، 47/61). باینهمه، به نظر می‌رسد فرشتگان در نظام اخلاقی صحیفه، و در مسیر کوشش انسان برای رشد اخلاقی، نقش خاصی ندارند؛ جز آن که کارگزار خدایند و اگر اراده خدا بدین تعلق گرفت که خیری به انسان رسد، ایفای نقش می‌کنند.

موجود نامحسوس دیگر که در صحیفه یاد شده، شیطان است. در صحیفه از شیطان 18 بار یاد می‌شود؛ اما این یادکرد با اشاره؛ ای به جنس و ویژگی‌های آفرینش او همراه نیست. در صحیفه، با مُسَلَّم دانستن وجود شیطان در عالم هستی، وی عامل فریب و گناه شمرده می‌شود که انسان را به معصیت وامی‌دارد. شیطان در صحیفه دشمن دیرینه خدا و انسان (3/44، 17)، وسوسه‌گر (42/10)، و رانده (23/6) است. او به اذن خدا بر انسان مسلط گشته (25/6)، جایگاهش در سینه (25/6)، و مهم‌ترین راه نفوذش هم قلب، یا همان ساحت عاطفی وجود انسان است (17/6).

در صحیفه به موجودات محسوس هستی نیز جسته - گریخته اشاره می‌شود. نمی‌توان در این اثر تمایز محسوسی میان جانداران و موجودات بی‌جان یافت؛ خاصه با توجه بدان که در سراسر آن از جاندار دیگری جز انسان بحث نمی‌شود (برای تنها مثال نقض، رک: 27/6 & 27/6؛ قطع نسل چارپایان؛).

باینحال، به نظر می‌رسد به مجموعه محسوسات جهان، خاصه طبیعت بی‌جان در صحیفه از چند حیث توجه می‌شود؛ اولاً، این موجودات همگی تحت فرمان الهی و تدبیر خداوند قرار دارند (برای نمونه؛ هاپی از اشاره بدین معنا، رک: 27/6، 10/6، 2/43؛ ثانیاً، خدا آنها را در خدمت انسان قرار داده است (رک: 5/6؛ 19/5)؛ و ثالثاً، همین موجودات خدمتگزار به انسان، خود نشانه‌های خدا نیز هستند (رک: 1/36، 2/43؛ نیز، برای تفصیل بحث از موجودات بی‌جان در صحیفه، رک: 16؛ شمس آبادی، 16؛ ب: 16/27؛).

در صحیفه از نظم هستی نیز بحث شده، و خَلق موجودات با اراده و حکمت الهی پیوند خورده است. خداوند به حکمت خویش کارگزاری برای امور آفریده، و حتی شیطان را نیز کار فرموده است. همان تدبیر و نظم که در میان موجودات نامحسوس برقرار شده، در میان محسوسات نیز برقرار است. از این منظر، خدا مقدار همه چیز را سنجیده، آنها را در راه هدفش آماده کرده، و برایشان پایدانی قرار داده است (47/ 13-17). یک جا از این سخن می‌زنیم؛ رود که خداوند برای شب و روز، اندازه و زمانی را مقدّر کرده است، چنان که هریک را در دیگری فرو می‌زنیم؛ برَد (6/ 4). جای دیگری در اشاره به نظم هستی گفته می‌زنیم؛ شود خدا برای زندگانی هر جاندار، سرآمد خاص و مدت محدود معین کرده است (6/ 1).

ب) تفکیک زمانی هستی

بر پایه صحیفه هستی منحصر به این دنیا نیست؛ بلکه بعد از این دنیا زندگی دیگری خواهد بود که دارای اهمیت و اصالت است. از نگاه صحیفه دنیا فانی (32/ 21، 9/ 2)، مکار و نیرنگ می‌زنیم؛ باز (27/ 4)، فراموشگر انسان (53/ 3)، و کالای بی‌ارزش دنیا نیز، تنها وسیله می‌زنیم؛ ای برای رسیدن به قرب الهی و دستیابی به بهشت است (30/ 6). نمی‌زنیم؛ توان در صحیفه جز اشاره می‌زنیم؛ ای کوتاه به زندگی برزخی انسان یافت (1/ 12). بااینحال، توصیف قیامت را در آن می‌زنیم؛ توان به تفصیل دید؛ همچنان که شرح مستوفایی از بهشت نیکان و عذاب گناهکاران داده شده است (برای تفصیل بحث در این باره، رک می‌زنیم؛ شمس آبادی، 20 ب می‌زنیم؛).

بر پایه صحیفه، میان دنیا و آخرت رابطه می‌زنیم؛ ای تعاملی برقرار است. روزی دنیا وسیله می‌زنیم؛ ای برای بندگی خدا ست (20/ 24)؛ هر چه خدا در این دنیا به انسان بدهد، نعمتی برای یاری وی در مسیر قرب است (30/ 6)، و هر چه هم که از انسان بازداشته شود، اندوخته می‌زنیم؛ ای برای آخرت او خواه بود (30/ 5). اعمال انسانها در دنیا همچون گردن زدن می‌زنیم؛ بندی بر گردنشان آویخته خواهد شد (42/ 13). هر که کار نیک انجام دهد ده برابر پاداش خواهد داشت و هر که کار زشت کند کیفر خواهد دید (6/ 7، 45/ 12).

پ) انسان می‌زنیم؛ شناسی صحیفه

بر پایه صحیفه، وجود انسان از دو ساحت مختلف تشکیل شده است. اشارات صحیفه به ساحت جسمانی انسان بسیار است (برای نمونه، رک می‌زنیم؛ 35/ 68). ساحت روحانی وجود انسان هم در صحیفه با تعبیر می‌زنیم؛ نفس راquo؛ یاد می‌زنیم؛ شود. مثلاً، یک جا به راquo؛ خروج نفس از بدن راquo؛ اشاره رفته است (4/ 17). بر پایه این اثر، نفس یا همان روح انسان مرکز عاطفی وجود او ست و آرامش یا ناآرامی فرد به کارکرد آن بازمی‌گردد. یک جا در صحیفه از راquo؛ طمأنینه راquo؛ و دیگر جا از راquo؛ وسوسه راquo؛ نفس انسان می‌زنیم؛ گوید (22/ 11، 51/ 11). حالاتی نیز همچون خوف (12/ 16)، احساس نیاز عاطفی (13/ 13)، رضایتمندی (35/ 3) و مانند آن همه در صحیفه به نفس نسبت شده می‌زنیم؛ اند.

بر پایه صحیفه انسان مرکب از جسم و نفس، در خلقت خویش از ویژگیهایی برخوردار شده که بر همه رفتارهای وی اثرگذار است (برای اشاره می‌زنیم؛ ای بدین معنا، رک می‌زنیم؛: افخمی عقدا، سراسر اثر). مهم می‌زنیم؛ ترین این ویژگیها ضعف جسم و نفس است (برای تفصیل بحث از ویژگیهای انسان، رک می‌زنیم؛: اسکوئیان، 15 ب می‌زنیم؛). انسان بنده می‌زنیم؛ ای ناتوان در عمل، و بزرگ در آرزو (32/ 9)، و همیشه اسیر نفس خود است (53/ 1، 47/ 83). او در اثر همین ضعف نفس، گاه باطل را برمی‌گزیند (9/ 4) و اینچنین، روحش از شیطان پیروی می‌زنیم؛ کند (16/ 24)، انسان فریب می‌زنیم؛ خورد، و به کژراهه می‌زنیم؛ افتد (32/ 27).

ضعف نفس یا همان مرکز عاطفی وجود سبب می‌زنیم؛ شود انسان دچار غفلت گردد (16/ 23؛ 47/ 91، 47/ 124)، هنگام امتحان و بلا ناشکیبا (22/ 2)، و در جستجوی حاجاتش عجول (33/ 5) باشد، حسادت ورزد (22/ 12) و اینچنین، به روزی دیگران طمع برَد (20/ 3، 22/ 12)، یا حتی در اثر این حسادت به خدا نیز بدگمان شود (35/ 2-1)، و فراتر از این همه، وقتی نعمتهای خدا را وافر دید، سر به طغیان بردارد (14/ 5، 20/ 3).

پیامد این ضعف جسم و نفس، ناتوانی از شکر نعمت است (51/ 1، 37/ 4-1)؛ چیزی که انسان را از مرز انسانیت خارج می‌زنیم؛ کند (1/ 8-9). ضعف نفس، موجب کندی در التفات به مواعد الهی (51/ 10)، درخواست حاجت از غیر خدا (13/ 15)، و سرآخر، کشیده شدن به دوزخ (16/ 24) می‌زنیم؛ گردد.

انسان با چنین ضعف بزرگی، تنها با هدایت خدا می‌زنیم؛ تواند راه یابد (13/ 25، 20/ 22، 49/ 1)، و البته، تنها خدا

چنین هدایتی فراروی وی نهاده است (28/47)؛ هدایتی راستین (13/20، 5/20، 22/20، 1/49) که فرد با آن به راه راست (6/9) یا استوارترین راه (13/14)، رهنموده می‌شود. این هدایت الهی بسیار پرمایه است و همه اقسام الهامات درونی به تک تک اشخاص، و هم ارسال پیام از طریق پیشوایان دین را دربرمی‌گیرد (برای تفصیل بحث، رک: zwj؛ اسکوثیان، 19-17).

پا به پای بحث در باره عوامل هدایت انسان، در صحیفه از عوامل گمراهی نیز، بحث می‌شود. شیطان چون عامل برونی، و جهل و ضعف نفس چون عوامل درونی، مایه اضلال فرد و دست نیافتنش به هدایتند. شیطان در قلب فرد، یعنی مرکز کنترل احساسات او خانه می‌کند (6/25) و با کاربرد نیرنگها (7/25)، و آراستن باطل (2-1، 7، 32/16، 37/9)، انسان را فریب می‌دهد (رک: zwj؛ اسکوثیان، 19-20). افزون بر شیطان، جهالت یا ناآگاهی و بی‌دنیادوستی (34/4، 109-108/47، 9/52)، و آرزوهای دراز (1/29، 8/52)، دیگر عوامل بازماندن فرد از هدایت و رشد هستند.

خداوند همین انسان ضعیف را که خطرهای در کمین او ست، از میان مخلوقات مختلف خویش برگزیده، بدان عنایتی ویژه روا داشته (1/18)، احسان و فضل خویش را شامل حالش کرده (16/10، 14/49، 2/51)، روزیش را تعهد نموده (29/3)، و حتی با نافرمانیهای او احسان خود را از وی دریغ نداشته است (49/13؛ نیز برای تفصیل بحث از عنایات خداوند به انسان، رک: zwj؛ اسکوثیان، 21 بب: zwj&zwj).

خدا بعد از این عنایت خاص، انسان را به امر و نهی خود می‌آزماید (1/21). مهم: zwj&zwj؛ ترین جلوه این آزمون، سنجش قدرشناسی انسان در هنگام وفور نعمت است (20/22، نیز رک: 1/21&zwj). امتحانهای دیگری هم پیش رو ست؛ مثلاً وقتی نعمتی کمتر از دیگری در اختیار وی باشد، آزموده می‌شود که حسد می‌کند؛ برود، یا نه (35/2). انسان در همه آزمونهای پیش رو، می‌تواند به دعا از خدا مدد جوید. خدا بی‌دعا هم البته نعمت فراوان داده است (رک: zwj؛ سراسر دعای 49)؛ اما باز دعا رخصتی است برای گفتگو با خدا تا هر کجا باشد، راز خویش با او در میان گذارد (51/11). خدا چنین مقدر کرده است که انسان از کسی جز خود وی نتواند حاجتی بگیرد (1/19).

او خود به دعا کردن فرمان داده، و اجابت را ضامن شده است (12/10، 16/13، 25/9، 31/11، جم: zwj&zwj). رابطه خدا با انسان به نعمت بخشی، امتحان، و هم شنیدن دعای انسان در طول دوره امتحان محدود نمی‌شود. حتی اگر انسان در این امتحان شکست نیز بخورد، خدا توبه پذیر است (رک: zwj؛ سراسر دعای 12، 16، 31، 38، 39؛ همچنین، برای مطالعه مفهوم استغفار در ادعیه مختلف صحیفه، رک: zwj؛ اسکوثیان، 24-25؛ نیز حسینی شاهرودی و شریعتی، سراسر اثر).

پی نوشت:

[1]. در سراسر این اثر برای ارجاع به نقلها از صحیفه سجاده، نخست شماره دعا در صحیفه کامله ذکر گردیده، و سپس به فاصله خطی مورب، شماره فقره حاوی آن مطلب در صحیفه، بر پایه فقره: zwj&zwj؛ بندی اعمال شده در صحیفه سجاده با تصحیح و ترجمه حسین استادولی (رک: zwj؛ منابع) ذکر گردیده است. برای نمونه، 3/47 یعنی مطلب در دعای چهل و هفتم صحیفه، بند سوم، آمده است.

مراجع

1- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، الذریعه الى تصانیف الشیعه، بیروت، دار الاضواء، 1403ق/ 1983م.

2- ابراهیمی: zwj&zwj؛ فر، علی اصغر، بررسی نظام تربیتی صحیفه سجاده، قم، مرکز پژوهشهای صدا و سیما، 1385ش.

3- _____؛ مبانى، اصول، روشها، و اهداف تربیتی در صحیفه سجاده؛ معرفت، شم: zwj؛ 57، شهریور 1381ش.

4- احتشامی: zwj&zwj؛ نیا، محسن، بایسته: zwj&zwj؛ های پژوهشی درونمایه صحیفه سجاده؛ سفینه، شم: zwj؛ 9، زمستان 1384ش.

- 5- احمدوند، فردین، *بررسی اصول اخلاقی اجتماعی در صحیفه سجادیه*؛ پژوهشهای اخلاقی، سال دوم، شم 5؛ zwj؛ پاییز 1390ش.
- 6- اخوان کاظمی، بهرام، *دکترین و سیاستهای دفاعی - امنیتی در صحیفه سجادیه*؛ الف، حکومت اسلامی، شماره 44، تابستان 1386ش. ب، سیاست دفاعی، شم 61؛ zwj؛ زمستان 1386ش.
- 7- اسکوئیان، عباس، و شمس آبادی، آرزو، *انسان در صحیفه سجادیه*؛ صحیفه مبین، سال بیستم، شم 56؛ zwj؛ پاییز و زمستان 1393ش.
- 8- افخمی عقدا، رضا و دیگران، *مضامین مشترک انسان و شناسی در صحیفه سجادیه و اشعار منسوب به امام سجاد (ع)*؛ ادب عربی، شم 1؛ zwj؛ بهار و تابستان 1393ش.
- 9- بدخشان، نعمت الله، *توبه از نگاه عقل و نقل با مروری بر صحیفه سجادیه*؛ عقل و دین، دانشگاه تهران، شم 7؛ zwj؛ پاییز و زمستان 1391ش.
- 10- پاکتچی، احمد، *اخلاق دینی*؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی و دیگران، جلد هفتم، تهران، 1377ش.
- 11- _____، *ابوالفضل شیبانی*؛ دائره المعارف بزرگ اسلامی، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی و دیگران، جلد ششم، تهران، 1373ش.
- 12- پهلوان، منصور، *مبانی اخلاقی در صحیفه سجادیه*؛ سفینه، شم 8؛ zwj؛ پاییز 1384ش.
- 13- پیرامون مقدم، مریم، *دسته بندی خصال اخلاقی در صحیفه سجادیه*، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال، 1389ش.
- 14- ترکاشوند، مهدی و دیگران، *تجلی عاطفه و جایگاه آن در صحیفه سجادیه*؛ ادب عربی، شم 4؛ zwj؛ دور 4، بهار 1391ش.
- 15- تقوی نسب، نجمه و میر شاه جعفری، ابراهیم، *اصول بهداشت روانی از منظر صحیفه سجادیه*؛ مطالعات اسلام و روان و روان شناسی، شم 3؛ zwj؛ پاییز و زمستان 1387ش.
- 16- حسینی اشکوری، جعفر، *اجازات روایی صحیفه در قرن یازدهم*؛ سفینه، شم 9؛ zwj؛ زمستان 1384ش.
- 17- حسینی جلالی، محمد حسین، *دراسة حول الصحیفه السجادیه*، بیروت، اعلمی، 1421ق.
- 18- حسینی شاهرودی، مرتضی و شریعتی، فهیمه، *بررسی مفهوم استغفار در صحیفه سجادیه*؛ علوم قرآن و حدیث، شم 86؛ zwj؛ بهار و تابستان 1390ش.
- 19- حکیم، محسن، *کتاب شناسی تفصیلی شروح و ترجمه های صحیفه*؛ کتاب ماه دین، بخش اول، شم 49؛ zwj؛ 50، آبان و آذر 1380ش؛ بخش دوم، شم 51؛ zwj؛ 52، دی و بهمن 1380ش؛ بخش سوم و پایانی، شم 53؛ zwj؛ 54، اسفند 1380 و فروردین 1381ش.
- 20- دوده، بیگی، محسن، *مرگ در صحیفه سجادیه*؛ بینات، شم 68؛ zwj؛ زمستان 1389ش.
- 21- دریابیگی، محسن، *بررسی تطبیقی مفهوم صدق در قرآن، روایات، و صحیفه سجادیه*؛ پژوهش دینی، شم 17؛ zwj؛ پاییز 1387ش.
- 22- _____، *مرگ اندیشی در صحیفه کامله سجادیه*؛ اندیشه نوین دینی، سال هشتم، شم 4؛ zwj؛

29، بهار و تابستان 1391ش.

23 سبجانی؛ زناد، مهدی و علین، حمید، درآمدی بر ابعاد و زمینه؛ zwnj؛ های تربیت در صحیفه سجاده؛ raquo؛، مشکوه، شم؛ 91؛ zwj، تابستان 1385ش.

24 سجادی، احمد، درآمدی؛ بایسته؛ zwnj؛ های پژوهشی در باره صحیفه سجاده؛ raquo؛، سفینه، شم؛ 6؛ zwj، بهار 1384ش.

25 سروس، عبدالکریم، بسط تجربه نبوی، تهران، صراط، 1378ش.

26 سلیمانی، مصطفی، درآمدی بر نظام تربیتی و انسان؛ zwnj؛ شناسی از منظر صحیفه سجاده؛ raquo؛، راه تربیت، شم؛ 15؛ zwj، تابستان 1390ش.

27 شریفی، مرضیه، درآمدی بر رویکرد اسلامی درمان افسردگی با محوریت صحیفه سجاده؛ raquo؛، معرفت، شم؛ 174؛ zwj، خرداد 1391ش.

28 شمس آبادی، آرزو، اندیشه اخلاقی بازتابیده در صحیفه سجاده، پایان نامه کارشناسی ارشد اخلاق و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آژادشهر، 1392ش.

29 صحیفه کامله سجاده، منسوب بن امام زین العابدین علی بن حسین (ع)، به کوشش و با ترجمه حسین استاد ولی، قم، الهادی، 1383ش.

30 صدرایی خویی، علی، درآمدی؛ صحیفه سجاده به روایت ابن مالک؛ raquo؛، علوم حدیث، شم؛ 29؛ zwj، پاییز 1382ش.

31 قائمی، علی، و دیگران، درآمدی؛ بررسی مبنای تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاد (ع) در صحیفه سجاده؛ raquo؛، روان؛ zwnj؛ شناسی تربیتی، شم؛ 17؛ zwj، تابستان 1389ش.

32 کریمی، احمد، درآمدی؛ مسئولیت پذیری اجتماعی در دعای مکارم الاخلاق؛ raquo؛، پژوهشهای اخلاقی، سال اول، شم؛ 48؛ zwj، تابستان 1390ش.

33 مجتهد شبستری، محمد، درآمدی؛ ایمان؛ raquo؛، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی، جلد دهم، تهران، 1380ش.

34 مجلسی، محمد تقی، رساله در بیان اسانید و طرق مؤلف در نقل صحیفه سجاده، ضمن بحار الانوار محمد باقر مجلسی، جلد صد و هفت، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403ق / 1983م.

35 مردمی، ابوالقاسم، درآمدی؛ در جستجوی الگوی رفتاری از دعای مکارم الاخلاق؛ raquo؛، مصباح، شم؛ 76؛ zwj، مرداد و شهریور 1387ش.

36 مرزوقی، رحمت الله، درآمدی؛ انسان و تربیت از منظر صحیفه سجاده؛ raquo؛، اندیشه دینی، شم؛ zwnj؛ 15، تابستان 1384ش.

37 مقامی، حمید و میر شاه جعفری، ابراهیم، درآمدی؛ رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجاده؛ raquo؛، اندیشه دینی، شم؛ 15؛ zwj، تابستان 1384ش.

38 ملا سلیمانی، فرشته و دیگران، درآمدی؛ بررسی مبنای تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاد (ع) در صحیفه سجاده؛ raquo؛، روان؛ zwnj؛ شناسی تربیتی، شم؛ 17؛ zwj، تابستان 1389ش.

39 موسوی بروجردی، حسن، درآمدی؛ پژوهشی در نسخه شهید اول از صحیفه سجاده؛ raquo؛، ترجمه محمود نظری،

سفینه، شم‍ 7، تابستان 1384ش.

40- مهروش، فرهنگ، «اندیشه اخلاقی ابن مسعود»; پژوهشنامه اخلاق، سال هفتم، شم‍ 24، تابستان 1393ش.

41- _____«آیینهای ذکر در روایات اسلامی و جایگاه و کارکرد اجتماعی آنها»; صحیفه مبین، سال نوزدهم، شم‍ 53، بهار و تابستان 1392ش.

42- _____«تاریخ انگاره ذکر در فرهنگ اسلامی»; مطالعات قرآن و حدیث، شم‍ 13، بهار و تابستان 1394ش.

43- _____ هویت وانتساب صحیفه سجادیه با تکیه بر شاخصه‍zwnj;های متن، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)، 1382ش.

44- _____ و کامیاب، رضوان، «اندیشه اخلاقی شهید عبدالحسین دستغیب و خاستگاه قرآنی آن»; صحیفه مبین، سال بیستم، شم‍‍zwnj; 55، بهار و تابستان 1393ش.

45- هاشمی شاه قبادی، رضا، «سیره تربیتی امام سجاد (ع) در دعای مکارم الاخلاق»; نیستان ادیان و مذاهب، شم‍ 38، پاییز و زمستان 1390ش.

نویسنده:

حامد خانی (فرهنگ مهروش)

دو فصلنامه صحیفه مبین شماره 57